



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

درس نهم

سوره مبارکه زلزله

توجه به قیامت با محوریت عمل خیر

به یاد آورید زمانی را که با ناکامی جدی مواجه شده‌اید، در این هنگام زلزله شدیدی در شما ایجاد می‌شود، زیرا آنچه برای خود در ذهنتان ساخته‌اید کاملاً به ویرانه تبدیل می‌شود. این هنگام که با اضطراب هم همراه است به یاد گذشته خود افتاده، فعالیت‌های خود را ارزیابی می‌کنید، کم و کسرهای، قوت‌ها، انرژی‌ها، کسالت‌ها، عوامل موفقیت، موانع آن و ... درهم و برهم به یادتان می‌آید. و این از خصوصیت هر زلزله‌ای است.

مطالعه سوره مبارکه زلزال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند هستی بخش مهربان
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)	آن هنگام که زمین به زلزله‌اش بلرزد،
وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)	و زمین ثقل‌هایش را خارج کند،
وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)	و انسان بگوید که چه شده است؟
يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)	در آن روز زمین اخبارش را بازگو می‌کند.
بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (۵)	به آن دلیل که خداوند برایش وحی کرده است.
يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶)	در آن روز مردم خارج می‌شوند به صورت پراکنده، تا اعمالشان را ببینند.
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)	پس هر کس به اندازه ذره‌ای خیر انجام دهد، آن را می‌بیند
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)	و هر کس به اندازه ذره‌ای شر انجام دهد، آن را می‌بیند.

مرحله اول: تفکر حول موضوعات سوره

این سوره یکی از وقایع مهم زندگی انسان‌ها را یادآور شده از اخبار غیبی خبر می‌دهد. اینگونه خبر رسانی خاص قرآن است و انسان نمی‌تواند با علم حصولی خود به اصل خبر برسد ولی پس از اخبار می‌تواند با تأمل بر روی آن مطالب بسیاری را درک کند. بنابراین نقش تفکر در این مواقع بسی حساس‌تر است، زیرا درباره مواردی تمرکز می‌کند که در منظر او نیست.

برای مطالعه حول موضوعات و اخبار غیبی سوره ابتدا به بررسی مفاهیم واژگان و مصادیق آن می‌پردازیم.

الف. بررسی واژگان سوره

زلزل (زلزال)	هو تزلزل لطيف. و الزلزلة يدل على التكرار.	لرزیدنی که ناپیداست. زلزله بر تکرار لرزیدن و شدت آن دلالت دارد.
ثقل (اتقال)	و هو خلاف الخفة.	این مفهوم به معنای سنگینی و در برابر سبکی است که می‌تواند از لحاظ مادی یا معنوی مد

نظر باشد.		
به معنای به وجود آمدن چیز جدید است.	هو تَكُونُ شَيْءٌ فِي زَمَانٍ مُتَأَخِّرٍ.	حدث (تحدُّث)
آگاهی ای که با نفوذ و علم به تحقیق و احاطه و دقت همراه است. به همین دلیل علم به همه جزئیات است.	هو الاطّلاع النافذ و العلم بالتحقیق و الاحاطة و الدقّة.	خبر(اخبار)
القای امری در باطن چیزی را گویند. چه اینکه به تکوین باشد و یا به وارد کردن آن در قلب.	هو إلقاء أمرٍ فی باطن غیره، سواء كان الإلقاء بالتکوین أو بإيراد فی القلب.	وحی (أوحی)
جدا شدن و پراکندگی اعضا و اجزای یک مجموعه از هم؛ مادی یا معنوی.	هو تفرّق مخصوص و هو تفرّق الأعضاء و الأجزاء کلّ من الآخر، فی مادیّ أو معنویّ.	شنت (اشتات)

ب. تصویرسازی از واژگان

برای هر یک از واژه‌های فوق مصداقی در کتب لغت ذکر شده است، ضمن تصویربایی برای مفهوم یاد شده توسط این مصادیق، با توجه به خصوصیات مفهوم نمونه‌های دیگر قابل تطبیق را یادداشت کنید.

واژه	تصویر	نمونه‌های دیگر
زلزل	زلزله‌های زمین	
اخراج	بیرون دادن	
ثقل	چیز سنگین	
مثقال	ترازو	
تحدیث	تعریف و بازگو کردن	
خبر	دیگران را از اتفاقی مطلع کردن	
وحی	پنهانی با کسی حرف زدن ایحاء: کسی را تحت تاثیر خود قرار دادن	

ج. ارتباط بین واژگان سوره

این سوره با اِذَا شروع شده است که هم دارای معنای زمان و هم شرط است، بنابراین برخی از مفاهیم در معنای شرط و برخی در معنای جواب شرط آمده است. پایان سوره نیز با مَنْ شرطیه ختم شده و دارای جملات شرط و جواب است. بدین ترتیب قالب این سوره، قالبی شرطی پیدا کرده و مفاهیمی که در آن بیان می‌شود در حالت شرط و جواب قرار می‌گیرد. برای کشف ارتباطات سوره ابتدا نقش کلمات را در سوره و سپس تصویرهایی که از این نقش‌ها پدید می‌آید را ملاحظه کنید.

اعراب سوره^۱

قالب ادبی سوره را در نگاه کلی مشاهده نمایید:

جمله شرط:

۱. زلزلت الارض

۲. اخرجت الارض ائقالها

۳. قال الانسان ما لها

جمله جواب:

۱. تحدث اخبارها

۲. يصدر الناس

جمله شرط دیگر

۱. يعمل مثقال ذره خيرا

جمله جواب

۲. يره

جمله شرط دیگر

۱. يعمل مثقال ذره شراً

جمله جواب

۲. يره

(إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا) إذا ظرف است برای آینده که معنی شرط را نیز دارد و متعلق به تحدث است که جواب جمله زلزلت است. زلزلت به ظرف مضاف شده و در محل جر است. زلزلت فعل ماضی مبنی برای مجهول است و ارض نائب فاعل آن و زلزالتها مفعول مطلق برای آن است. زلزالتها مصدری است که مضاف به فاعل آن شده است.

(وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا) عطف بر ما قبل، و أخرجت الأرض فعل ماضی و فاعل و أثقالها مفعول به برای آن است.

(وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا) واو عاطفه و قال الإنسان فعل و فاعل است. ما اسم استفهام و مبتدا و در محل رفع و لها خبر آن است.

(يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا) يومئذ ظرف و تحدث فعل مضارع مرفوع و فاعل آن مستتر که در تقدیرش هی یا همان الأرض است. مفعول به اول برای تحدث محذوف و مفعول دوم آن اخبار است.

^۱ اعراب القرآن و بیانه، ج ۱۰، ص ۵۴۹-۵۵۱

(بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا) باء حرف جر و آن در محل جر و مجرور به باء است و این جار و مجرور متعلق به تحدث است. ربك اسم آن و جمله أوحى خبر آن و لها متعلق به أوحى است.

(يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ) يومئذ ظرف و يصدر الناس فعل مضارع و فاعل و أشتاتا حال برای الناس است و ليروا لام تعليل است که يروا فعل مضارع مبنی و مجهول و واو نائب فاعل آن است. أعمالهم مفعول به دوم برای رؤیت است.

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) فاء تفریع است و من اسم شرط جازم و نیز مبتدأست و يعمل فعل شرط و فاعل آن هو است. مثقال ذره مفعول به و خيرا تمییز یا بدل از مثقال است. يره جواب شرط و مجزوم و است و جمله دوم عطف بر اولی است و إعرابش مانند آن است.

۲. تصویرسازی کلمات در ارتباط با هم

- بروز اتفاقاتی، در زمانی که زمین به شدت به لرزه در می آید.
- آشکار شدن حقایقی پس از مدت‌ها مخفی بودن.
- روزی که زمین به سخن آمده و هر اتفاقی را که شاهدش بوده، اقرار کند.
- روزی که انسان متوجه می شود که هر عملی که داشته ثبت شده است.
- اضطرابی فراگیر، به هم ریختگی و آشفتگی
- انسان‌هایی بی خبر که مدام از هم می پرسند چه شده و هیچ کسی جواب نمی دهد
- اتفاق وحشتناکی که باعث می شود انسان چیزهایی را مرور کند
- ترازویی دقیق و چیزی برای اندازه گیری
- آدم‌هایی که به دنبال چیزی می گردند که ترازو را سنگین تر نشان بدهد حتی اگر غبار باشد.
-
-
-

مرحله دوم: گزاره نویسی

گزاره‌های سوره را با توجه به جملات شرط و جوابی که آمده تکمیل می کنیم.

الف. گزاره‌هایی از سوره

إذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض ائقالها و قال الانسان ما لها يومئذ تحدث اخبارها بان ربك اوحى لها يومئذ يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم

- زمین، زلزله مخصوص و ویران کننده‌ای دارد که در اثر آن هر چه در درونش هست را بیرون می ریزد.
- منظور از زلزله زمین، آغاز حسابرسی انسان است.

- زمین اعمال و رفتار هر انسانی را در خود ثبت کرده و در موقعی که از او خواسته شود به آن شهادت می دهد. بنابراین هر قطعه‌ای از زمین شاهدی زنده و گواهی بر اعمال انسان است.
- اگر انسان زمین را به عنوان گواهی صادق می دانست، هر عملی را بر روی آن انجام نمی داد.
- اگر زمین به اعمال انسان گواهی می دهد به اذن خداوند و با وحیی است که به او می شود. بنابراین به زمین نیز وحی می شود، وحیی که از وقایع خود خبر دهد.
- انسان قبل از اینکه به بهشت یا جهنم رود اعمال خود را می بیند.
- مشاهده اعمال خود بعد از وقوع زلزله و حسابرسی، دلیلی بر تکوینی بودن بهشت و جهنم دارد.
- زمین در درون خود نهفته‌هایی دارد که هر یک در سنگینی با هم متفاوتند. زمین در ادای امانت خود خیانت نمی کند.
- انسان در هنگام وقوع این زلزله از علت وقوع آن سؤال می کند ولی لازم است بدانیم این سؤال بسته به مراتب انسان متفاوت است.
- خداوند برای زمین شأنتی قائل است که برای او زلزله مخصوص، ائصال مخصوص، اخبار مخصوص، وحی مخصوص به او را مطرح می کند.

-
-
-

فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرا یره

- هر عملی از انسان ثبت شده و آن را به عینه می بیند.
- اعمال انسان با ترازویی متناسب سنجیده می شود تا ثقل آن معلوم شود. در واقع برای هر عمل انسان معیاری وجود دارد.
- هیچ عملی از انسان از بین نمی رود و او همه اعمال خود را چه خوب و چه بد می بیند.
- عمل خیر و شر برای انسان رؤیت شدنی است. خیر و شر اعمال به اختیار و انتخاب او وابسته است و شامل وضعیت خیرگزینی و شرگزینی او می شود.

-
-
-

ب. گزاره‌های تفسیر المیزان درباره سوره مبارکه زلزال^۱

^۱ ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۸۱-۵۸۶

در این سوره سخن از قیامت و زنده شدن مردم برای حساب،
و اشاره به بعضی از علامت‌هایش شده،

که یکی زلزله زمین،

و یکی دیگر سخن گفتن آن از حوادثی است که در آن رخ داده.

و این سوره هم می‌تواند مکی باشد و هم مدنی.

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا:

- کلمه «زلزال» مانند کلمه «زلزله» مصدر و به معنای نوسان و تکان خوردن پی در پی است،
 - و اینکه این مصدر را به ضمیر زمین اضافه کرد، و فرمود «زمین زلزله‌اش را سر می‌دهد» به ما می‌فهماند که زمین زلزله‌ای خاص به خود دارد،
 - و این [اضافه شدن مصدر به ضمیر زمین] می‌رساند که زلزله مذکور امری عظیم و مهم است، زلزله‌ای است که در شدت و هراسناکی به نهایت رسیده است.
- وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا:

- کلمه اِثْقَال جمع کلمه «ثقل» (به فتحه ثاء و فتحه قاف) است، که به معنای متاع و کالا و یا خصوص متاع مسافری است. ممکن هم هست جمع کلمه «ثقل» (به کسره ثاء و سکون قاف) باشد که به معنای حمل است، به هر حال چه آن باشد و چه این، مراد از اِثْقَال زمین که در قیامت زمین آنها را بیرون می‌ریزد - به طوری که دیگران هم گفته‌اند - مردگان و یا گنجه‌ها و معادنی است که در شکم خود داشته. و ممکن هم هست منظور همه اینها باشد، که البته برای هر سه قول قائلینی هست، و اولین قول به نظر نزدیک‌ترین قول است، و از آن گذشته قول سوم است که اشاره دارد بر اینکه خارج شدن برای حساب است،
 - و جمله «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ» اشاره دارد به اینکه بعد از بیرون شدن، به سوی جزا روانه می‌شوند.
- وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا:

- یعنی انسانها بعد از بیرون شدن از خاک در حال دهشت‌زدگی و تعجب از آن زلزله شدید و هول‌انگیز می‌گویند: «ما للارض» زمین را چه می‌شود که این طور متزلزل است؟!¹

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا:

- آنگاه زمین به اعمالی که بنی آدم کردند شهادت می‌دهد،
- [زمین شهادت می‌دهد] همان طور که اعضای بدن خود انسان‌ها و نویسندگان اعمالش، یعنی ملائکه رقیب و عتید، و نیز شاهدان اعمال که از جنس بشر و یا غیر بشرند همه بر اعمال بنی آدم شهادت می‌دهند.
- و در جمله «بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» حرف لام به معنای «الی؛ به سوی» است، چون مصدر «ایحاء» که فعل «أوحى» مشتق از آن است با حرف «الی» متعدی می‌شود،

¹ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: بعضی از مفسرین گفته‌اند: منظور از «انسان» تنها کفار هستند، نه آنهایی که در دنیا به مسئله معاد و رستخیز ایمان داشتند. بعضی دیگر سخنانی دیگر گفته‌اند که به زودی ان‌شاءالله می‌آید.

- و معنای جمله این است که:
- زمین به سبب اینکه پروردگار تو به آن وحی کرده و فرمان داده تا سخن بگویند از اخبار حوادثی که در آن رخ داده سخن می‌گویند،
- پس معلوم می‌شود
 - زمین هم برای خود شعوری دارد،
 - و هر عملی که در آن واقع می‌شود را می‌فهمد،
 - و خیر و شرش را تشخیص می‌دهد،
 - و آن را برای روز ادای شهادت تحمل می‌کند،
 - تا روزی که به او اذن داده شود؛ یعنی روز قیامت شهادت خود را ادا کرده، اخبار حوادث واقع در آن را بدهد.
- و در تفسیر آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»، و نیز در تفسیر آیه «قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» گذشت، که از کلام خدای سبحان به دست می‌آید که حیات و شعور در تمامی موجودات جاری است، هر چند که ما از نحوه حیات آنها بی‌خبر باشیم.^۱

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ:
- کلمه «صدر» که فعل «یصدر» از آن مشتق شده به معنای برگشتن شتر از لب آب بعد از رفتنش بدانجاست.
- و کلمه «أشتات» مانند کلمه «شتی» جمع شتیت است، که به معنای متفرق است.
- و آیه شریفه جواب دوم است برای کلمه «اذا»، بعد از جواب اول، یعنی آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا».
- و مراد از «صادر شدن مردم در قیامت با حالت تفرقه»، برگشتن آنان از موقف حساب به سوی منزل‌هایشان که یا بهشت است و یا آتش است،
- در آن روز اهل سعادت و رستگاری از اهل شقاوت و هلاکت متمایز می‌شوند،
- [متمایز می‌شوند] تا اعمال خود را ببینند،
 - جزای اعمالشان را نشانشان دهند،
 - آن هم نه از دور، بلکه داخل در آن جزایشان کنند،
 - و یا به اینکه خود اعمالشان را بنا بر تجسم اعمال به ایشان نشان دهند.^۱

^۱ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: در بین مفسرین اختلاف شدیدی به راه افتاده در اینکه معنای خبر دادن زمین به وسیله وحی از حوادثی که در آن واقع شده چیست؟ آیا خدای تعالی زمین مرده را زنده می‌کند، و به آن شعور می‌دهد تا از حوادث خبر دهد؟ و یا اینکه صوتی در روی زمین خلق می‌کند تا آن صوت خبر دهد و یا آنکه زمین به زبان حال دلالت می‌کند بر اینکه بر پشت آن چه حوادثی رخ داده؟

لیکن بعد از آنکه بیان ما را شنیدی هیچ جایی برای این اختلاف نیست، علاوه بر این با هیچ یک از این وجوه و هیچ یک از اقسام شهادت که در این وجوه آمده حجت تمام نمی‌شود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ:

- کلمه «مِثْقَالَ» به معنای هر وسیله‌ای است که با آن وزن‌ها را می‌سنجند،
- و کلمه «ذره» به معنای آن دانه‌های ریز غبار است، که در شعاع آفتاب دیده می‌شود، البته این کلمه به معنای مورچه‌های ریز نیز می‌آید.
- آیه مورد بحث به دلیل اینکه حرف «فاء» بر سر دارد تفریع و نتیجه‌گیری از آیه قبلی است، که سخن از ارائه اعمال بندگان داشت، و همان بیان را تاکید نموده، می‌فهماند که از کلیت ارائه اعمال هیچ عملی نه خیر و نه شر نه کوچک و نه بزرگ حتی به سنگینی ذره استثنا نمی‌شود،
- و نیز حال هر یک از صاحبان عمل خیر و عمل شر را در یک جمله مستقل بیان نموده،
- جمله را به عنوان یک ضابطه و قاعده کلی (که مورد هیچ خصوصیتی ندارد) ذکر می‌فرماید.
- در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد که در آیات شریفه قرآن، آیاتی هست که با این ضابطه کلی سازگار نیست،
 - از آن جمله آیاتی که دلالت دارد بر حبط و بی‌نتیجه شدن اعمال خیر به خاطر پاره‌ای عوامل،
 - و آیاتی که دلالت دارد بر انتقال اعمال خیر و شر اشخاص به دیگران، مانند انتقال حسنات قاتل به مقتول، و گناهان مقتول به قاتل،
 - و آیاتی که دلالت دارد بر اینکه در بعضی توبه‌کاران، گناه مبدل به ثواب می‌شود،^۲
- جواب این سؤال این است که آیات مذکور حاکم بر این دو آیه است،
- و بین دلیل حاکم و محکوم منافاتی نیست،
- مثلاً آیاتی که دلالت دارد بر حبط اعمال، شخص صاحب عمل خیر را از مصادیق کسانی می‌کند که عمل خیر ندارند،
- و چنین کسی عمل خیر ندارد تا به حکم آیه مورد بحث، آن را ببیند،
- و همچنین قاتلی که نگذاشت مقتول زنده بماند و عمل خیر انجام دهد، اعمال خیرش را به مقتول می‌دهند، و خودش عمل خیری ندارد تا آن را ببیند،
- و توبه‌کاری که گنااهش مبدل به حسنه می‌شود، برای این است که گناه موافق میل او نبوده، عواملی خارجی باعث گناهکاری او شدند، و آن عوامل کار خیر، موافق طبعشان نیست، ولی چون می‌خواستند در بین مردم نیکوکار و موحد باشند، و بلکه رئیس و رهبر آنان باشند، لذا با زبان شکار حرف زدند، پس

^۱ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: و بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از صدور مردم، بیرون شدنشان از قبور به سوی موقف حساب است، و منظور از متفرق بودنشان، متمایز بودن آنان از نظر سیما است، بعضی با روی سفید، و برخی با روی سیاه بیرون می‌آیند، بعضی با حالت امنیت، برخی با حالت فزع، و همچنین تمایزهای دیگر که از جزای اعمالشان و نتیجه حسابشان خبر می‌دهد، و تعبیر از آگهی از جزا با واژه رؤیت، و تعبیر از اعلام به نتیجه حساب با واژه «ارائه» نظیر تعبیری است که در آیه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ»، ولی وجه اول هم به ذهن نزدیک‌تر و هم روشن‌تر است.

^۲ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم:

و آیاتی دیگر که در بحث از اعمال در جلد دوم این کتاب و نیز در تفسیر آیه «لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» گذشت.

خوبیهایشان از خودشان نیست، لذا در قیامت بدی‌های توبه‌کاران را به آن عوامل می‌دهند، و خوبی‌های آن عوامل را به توبه‌کاران، در نتیجه توبه‌کاران گناهی ندارند تا به حکم آیه مورد بحث در قیامت آن را ببینند، و نیز عوامل شر، کار خیری ندارند، تا به حکم آیه مورد بحث آن را ببینند؛ دقت فرمایید.^۱

مرحله سوم: تدبیر در سوره با نزدیک شدن به غرض آن

پس از مطالعه سوره و تفکر و تعقل پیرامون مضامین آن، نکاتی را که به عنوان پیام کلی سوره می‌توان در نظر گرفت بررسی می‌کنیم:

۱. میزان دقت شعور عالم در ثبت اعمال و نشان دادن آن، به حدی است که کوچک‌ترین کار خیر یا شری در آن گم نمی‌شود و فرد حتماً آن را خواهد دید.

^۱ بحث روایی سوره در تفسیر المیزان:

در الدر المنثور است که ابن مردویه و بیهقی -در کتاب شعب الایمان- از انس بن مالک روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمین در روز قیامت به تمامی اعمالی که در پشتش انجام شده خبر می‌دهد، آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» تا رسید به آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» و آنگاه فرمود هیچ می‌دانید اخبارش چیست؟ جبرئیل نزد من آمد و گفت: خبر زمین که زمین روز قیامت بدان گواهی می‌دهد، همه اعمالی است که بر پشتش انجام شده. مؤلف: نظیر این روایت را از ابوهریره نیز نقل کرده.

و نیز در همان کتاب است که حسین بن سفیان در کتاب مسندش و ابونعیم در کتاب حلیه‌اش از شداد بن اوس روایت کرده‌اند که گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می‌فرمود: ایها الناس! دنیا متاعی است حاضر که هم نیکان از آن می‌خورند و هم فاجران، و به درستی آخرت وعده‌ای است صادق، که سلطانی قادر در آن حکومت می‌کند، حق را محقق و باطل را باطل می‌سازد. ایها الناس! سعی کنید از طالبان آخرت باشید، و از طالبان دنیا نباشید، فرزند آخرت باشید، نه فرزند دنیا، چون هر مادری فرزندش به دنبالش می‌رود. (حاصل منظور آن جناب این است که خواهان آخرت باشید نه دنیا، برای اینکه علاقه به دنیا قهراً شما را به سوی مادیت و آلودگی‌های آن می‌کشد)، آنگاه فرمود: هر عملی که می‌کنید در حالی انجام دهید که از خدا خائف و بر حذر باشید، و بدانید که روزی شما را بر اعمالتان عرضه می‌دارند، و شما خواه و ناخواه خدا را ملاقات خواهید کرد، پس هر کس هم‌وزن ذره‌ای عمل خیر کرده باشد، آن را خواهد دید، و هر کس هم‌وزن ذره‌ای عمل زشت کرده باشد آن را خواهد دید.

و در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» آمده که منظور از انتقال زمین، انسان‌هاست. و در ذیل جمله «وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» آمده که این انسان، امیرالمؤمنین علیه السلام است. و در ذیل آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ... أَثْقَاتًا» آمده که مردم از جهت ایمان و کفر و نفاق متفرق و اشتات می‌آیند، بعضی مؤمنند و برخی کافر و جمعی منافق. و در ذیل جمله «لِيُرَوَّاْ أَعْمَالَهُمْ» آمده که هر کس بالای سر اعمال خود می‌ایستد، و اعمال خود را اینطور فاش و هویدا می‌بیند.

و نیز در آن کتاب در روایت ابی الجارود از امام باقر علیه السلام آمده که در ذیل آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»، فرمود: اگر از اهل آتش باشد، و در دنیا مثقال ذره‌ای عمل خیر کرده باشد، اگر برای غیر انجام داده باشد، همان عمل خیرش هم مایه حسرتش می‌شود، و در ذیل جمله «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»، فرمود: اگر از اهل بهشت باشد در روز قیامت آن شر را می‌بیند و سپس خدای تعالی او را می‌آمرزد.

۲. با تغییرات ویران کننده زمین در قیامت، انسان بهایی دیگر می‌یابد که در آن صورت به رؤیت کامل اعمال خود می‌رسد.
۳. عاقبت‌نگری، در توجه به قیامتی است که هر عمل در آن روز بر اساس معیار حق سنجیده شده و بر آن اساس به رؤیت فرد می‌رسد.
۴.

مرحله چهارم: طهارت برای تدبیر (ایجاد طهارت در خود از منظر یکی از موضوعات سوره)

برای رسیدن به طهارت حاصل از تدبیر سوره مبارکه زلزال، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. توجه به ثبت اعمال توسط زمین
برای تقویت هشیاری خود و فهم اینکه هر لحظه در محضر خدا هستیم، بدانیم زمین به عنوان ثبت کننده اعمال است لذا کار خود را با نیت ثبت در آن محل انجام دهیم در این صورت در هر قطعه از زمین که کار خیری انجام می‌دهیم، کار خیر خود را به آن قطعه به امانت بسپاریم.

۲. توجه به اعمال خیر و اخلاص در عمل

آنچه موجب سنگین شدن اعمال می‌شود اخلاص در اعمال است، برای این منظور از بیان و ابراز کارهای خیر خود حتی المقدور خودداری کنیم. همچنین در نیت انجام کار خیر قصد رسیدن به محبت خداوند را از ضروریات کارهای خود بدانیم.

برای اخلاص یافتن در اعمال خود به فرازهایی از دعای امیرالمومنین علیه السلام توجه کنید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ مِنْ جُهِدِ الْبَلَاءِ وَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اغْسِلْ خَطَايَايَ فَإِنِّي ضَعِيفٌ إِلَّا مَا قَوَّيْتُ وَ أُقْسِمُ لِي حِلْمًا تَسُدُّ بِهِ بَابَ الْجَهْدِ وَ عِلْمًا تُفَرِّجُ بِهِ الْجَهَالَاتِ وَ يَقِينًا تُذْهِبُ بِهِ الشَّكَّ عَنِّي وَ فَهْمًا تُخْرِجُنِي بِهِ مِنَ الْفِتَنِ الْمُعْضِلَاتِ وَ نُورًا امْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَ أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي سَمْعِي وَ بَصْرِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ قَلْبِي صَلَاحًا بَاقِيًا تُصْلِحُ بِهَا مَا بَقِيَ مِنْ جَسَدِي اسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ أَيَّ عَمَلٍ كَانَ أَحَبَّ إِلَيْكَ وَ أَقْرَبَ لَدَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي فِيهِ أَبَدًا ثُمَّ لَقِّنِي أَشْرَفَ الْأَعْمَالِ عِنْدَكَ وَ اتِنِي فِيهِ قُوَّةً وَ صِدْقًا وَ جِدًّا وَ عَزْمًا مِنْكَ وَ نَشَاطًا ثُمَّ اجْعَلْنِي أَعْمَلُ ابْتِغَاءً وَ جِهَةً وَ مَعَاشًا فِيمَا أَتَيْتَ صَالِحِي عِبَادِكَ ثُمَّ اجْعَلْنِي لَا أَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَ لَا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلًا وَ لَا تُغَيِّرُهُ فِي سَرَّاءٍ وَ لَا ضَرَّاءٍ وَ لَا كَسْبًا وَ لَا نِسْيَانًا وَ لَا رِيَاءً وَ لَا سَمْعَةً حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهِ وَ ارزُقْنِي أَشْرَفَ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِكَ أَنْصُرُكَ وَ أَنْصُرْ رَسُولَكَ أَشْتَرِي بِهِ الْحَيَاةَ الْبَاقِيَةَ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اعْنِي بِمَرْضَاةٍ مِنْ عِنْدِكَ...^۱

^۱ صحیفه علویه، ص ۳۱۲

خدایا از تو خواهم تندرستی از بلائی جانفرسا و از شماتت دشمنان، خدایا گناهم بیامرز و کردارم را پاک گردان، و خطاکاری‌هایم را بشوی که من ناتوانم جز بدان چه توام نیرو داده‌ای، و آنچه‌ان بردباری بمن بده که بدان در سختی را ببندی، و دانشی بمن ده که بدان نادانی‌ها را برگشایی، و یقینی که بدان شک و تردید را از من دور سازی، و فهمی که بدان مرا از فتنه‌های سخت و در هم بیرون آری، و نوری که بدان در میان مردم (به هدایت) راه روم، و در تاریکی‌ها بدان راه یابم.

خدایا گوش و چشم و مو و پوست و دلم را برای من شایسته و صالح گردان بدانسان که سایر اعضا را بدان شایسته و صالح گردانی. من از تو راحتی در وقت مرگ و گذشت در هنگام حساب را خواستارم. خدایا از تو خواهم که هر کرداری را که از همه پیش تو محبوبتر و به درگاهت نزدیکتر است همیشه مرا بدان واداری، آنگاه شریف‌ترین کارها را در نزد خود به من یاد دهی، و نیرو و راستی و کوشش و تصمیمی از جانب خود و نشاطی برای انجامش به من عطا فرمائی، و چنانم کنی که کردار من تنها بخاطر جلب رضای تو، و زندگیم همان زندگی که به بندگان شایسته‌ات داده‌ای باشد، آنگاه چنانم گردانی که آن را به چیزی نفروشم و آن را به چیز دیگری برابر نخواهم، و آن نعمت را در خوشی و ناخوشی بر من دگرگون مساز، و به کسالت و فراموشی و خودنمائی و شهرت‌طلبی دچارم مساز تا آنگاه که مرا بر آن بمیرانی، و بهترین کشته‌شدن‌های در راهت را روزی من گردانی یعنی به راهی که تو و رسول تو را یاری کنم، و زندگانی جاویدان آن جهان را به زندگانی (عاریت) دنیا خریداری کنم، و مرا به موجبات خوشنودی خود کمک فرما.